

معمای اشغال سفارت آمریکا
در ایران

تألیف:

جعفر مهدی نیا

معمای اشغال سفارت آمریکا در ایران - نویسنده: جعفر مهدی نیا - تهران -

امید فردا - ۱۳۸۲

ISBN 964 - 5731 - 91 - 7

شابک:

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا:

۱ - ایران - تاریخ جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸ -، اشغال سفارت آمریکا، ۱۳۵۸ -

۱۳۶۰، ۲ - گروگانگیری - ایران، ۳ - ایران - روابط خارجی - ایالات متحده.

۴ - ایالات متحده - روابط خارجی - ایران، الف. عنوان

۹۵۵/۰۸۴

DSR۱۶۵۴/۵/م۹م۶

م۸۲ - ۲۷۷۳۷

کتابخانه ملی ایران

معمای اشغال سفارت آمریکا در ایران

جعفر مهدی نیا

انتشارات امید فردا

چاپ اول: سال ۱۳۸۳

حروف نگار و صفحه آرا: فاطمه علی حسینی

فهرست اعلام: مونا آل محمد

ویراستار: مهری شفائی

لبتوگرافی: نقش

چاپ: غزال

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

نشانی: تهران - میدان انقلاب - ابتدای خیابان آزادی - ابتدای خیابان جمالزاده

جنوبی - کوچه دانشور - پلاک ۳۲ (ساختمان آفاق) - طبقه همکف - واحد ۲

تلفن: ۶۹۱۷۴۴۹ تلفکس: ۶۹۴۹۵۷۵ - ۶۹۱۳۵۶۸ همراه: ۰۹۱۲۳۵۷۴۸۰۹

سایت اینترنتی: www.omidefarda.net پست الکترونیک: info@omidefarda.net

از مؤلف (جعفر مهدی نیا) کتاب‌های زیر منتشر شده است :

۱. مرد بی‌گذرنامه ایش مار یاریمارک (۲۱۷ صفحه)
۲. اسرار مرگ ماکسیم گورکی ایگور گازنکو (۲۰۷ صفحه)
۳. زندگی سیاسی رزم‌آرا (چاپ ۵) (نخست وزیران ۱) (۴۶۶ صفحه)
۴. زندگی سیاسی قوام السلطنه (چاپ ۵) (نخست وزیران ۲) (۷۴۷ صفحه)
۵. زندگی سیاسی علی امینی (چاپ ۲) (نخست وزیران ۳) (۵۲۰ صفحه)
۶. زندگی سیاسی ضیاءالدین طباطبائی (چاپ ۳) (نخست وزیران ۴) (۸۷۷ صفحه)
۷. زندگی سیاسی محمدعلی فروغی (چاپ ۱) (نخست وزیران ۵) (۸۰۰ صفحه)
۸. زندگی سیاسی عبدالحسین هژیر (چاپ ۳) (نخست وزیران ۶) (۵۰۱ صفحه)
۹. زندگی سیاسی فضل‌الله زاهدی (چاپ ۲) (نخست وزیران ۷) (۵۵۱ صفحه)
۱۰. زندگی سیاسی حکیم‌الملک (چاپ ۱) (نخست وزیران ۸)
۱۱. هفت بار اشغال ایران در ۲۳ قرن (چاپ ۱) (چهار جلد) (۲۵۱۴ صفحه)
۱۲. قتل‌های سیاسی و تاریخی سی قرن ایران (چاپ ۲) دوره یکم (۲ جلد) (۱۳۳۲ صفحه)
۱۳. قتل‌های سیاسی و تاریخی سی قرن ایران (چاپ ۱) (از ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۹) (۴۷۵ صفحه)
۱۴. سلطنت ۲۵۷ پادشاه در ایران (چاپ ۱) (۳ جلد) (۱۷۷۸ صفحه)
۱۵. معمای اشغال سفارت آمریکا در ایران

از مؤلف (جعفر مهدی نیا) کتاب‌های زیر منتشر خواهد شد:

۱. قتل‌های سیاسی و تاریخی سی قرن ایران (از ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۲) جلد چهارم (جلد دوم از دوره دوم)
۲. قتل‌های سیاسی و تاریخی سی قرن ایران (از ۱۳۶۳ تا ۱۳۷۰) دوره سوم (۲ جلد)
۳. قتل‌های سیاسی و تاریخی سی قرن ایران (از ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۹) دوره چهارم (۲ جلد)
۴. شصت سال تاریخ حزب توده (۲ جلد)
۵. دکتر محمد مصدق از تولد تا مرگ (۳ جلد)
۶. زندگی سیاسی منوچهر اقبال (نخست وزیران ۱۰) (۱ جلد)
۷. زندگی سیاسی اسدالله علم (نخست وزیران ۱۱) (۱ جلد)
۸. وزیرکشی در ایران (از بزرگمهر تا داریوش فروهر) (۲ جلد)
۹. ماه تیر در تاریخ ایران (تیر در دین زرتشت - سی تیر - ۷ تیر - ۱۳ تیر - ۳ تیر) (۱ جلد)
۱۰. پیغمبران ایران باستان (زرتشت - مانی - مزدک) (۳ جلد)

فهرست مطالب

۹	 مقدمه
۱۷	 بخش اول: مستشاران مالی آمریکا در ایران
۱۹	 ورود اولین کارشناس مالی آمریکا به ایران
۳۳	 دکتر میلیسپو، دومین مستشار اقتصادی و مالی آمریکا در ایران
۴۱	 بخش دوم: آمریکا در اندیشه‌ی دستیابی به نفت ایران
۴۳	 منابع نفتی ایران مورد توجه سه قدرت بزرگ جهانی
۵۳	 ارتباط حادثه‌ی تاریخی سفاخانه‌ی آشیخ هادی با نفت
۶۹	 بخش سوم: دو سیاست ناهمگون آمریکا در ایران
۷۱	 تهدید آمریکا و خروج ارتش سرخ از ایران
۷۹	 دستگیری مخالفان دولت و دشمنان انگلیس
۹۳	 تصمیم شوروی برای جدائی آذربایجان از ایران
۹۹	 بخش چهارم: آمریکا و کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲
۱۰۱	 سپهبد زاهدی، عامل کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲
۱۰۷	 طرح «آجاکس» برای سرنگونی دولت قانونی دکتر مصدق
۱۱۹	 شکست مرحله‌ای اول کودتا، در شب ۲۵ مرداد
۱۲۹	 نقش برادران رشیدیان در کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲
۱۳۳	 صبح روز کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲
۱۴۱	 سرکوبی و اعدام مخالفان دولت کودتا
۱۴۵	 سرانجام دولت سپهبد زاهدی
۱۵۷	 بخش پنجم: حوادث مهم دوران سلطنت محمدرضا شاه تا فرار از ایران ..
۱۵۹	 آغاز و پایان ۳۷ ساله‌ی سلطنت شاه
۱۷۷	 سوءقصد‌های نافرجام به جان شاه
۱۸۷	 دومین فرار شاه، ۲۵ سال بعد از فرار اول
۱۹۵	 تصاویر

فهرست مطالب

۲۲۱	بخش ششم: اوضاع ایران قبل از اشغال سفارت آمریکا در ایران
۲۲۳	ایرانیان فردگرا و ساختار وجودی شاه
۲۲۹	ورود امام خمینی به فرانسه
۲۳۹	دستاوردهایی از اشغال سفارت آمریکا در ایران
۲۵۱	آمریکا بر سر دو راهی: شاه برود یا بماند؟
۲۶۵	بخش هفتم: جزئیات سه بار اشغال سفارت آمریکا در ایران
۲۶۷	نفوذ چریک‌های فدایی خلق به داخل سفارت آمریکا
۲۸۷	تشکیل کمیته‌ی ویژه به ریاست ماشاءالله قصاب در سفارت آمریکا
۲۹۷	فرار شش دیپلمات آمریکائی قبل از اشغال سفارت
۳۰۳	طرح دو اجرای اشغال سفارت آمریکا به منظور پاکسازی ملی مذهبی‌ها از صحنه‌ی سیاست ایران
۳۰۹	آغاز بحران پس از اشغال سفارت آمریکا در ایران
۳۱۵	تحلیل‌های ناهمگون از اشغال سفارت آمریکا
۳۲۷	توافق آمریکا و ایران برای حل مسئله‌ی گروگان‌ها
۳۵۱	آزادی گروگان‌های آمریکائی پس از ۴۴۴ روز اسارت
۳۵۹	روزشمار پی‌آمد اسارت کارکنان سفارت آمریکا در ایران
۳۷۵	دانشجویان شناخته شده‌ای که در تسخیر سفارت آمریکا نقش مؤثری داشتند
۳۷۷	تصاویر
۴۰۱	منابع و مأخذ
۴۰۳	فهرست اعلام

به نام یزدان پاک و آفریننده‌ی هستی

مقدمه

پس از پایان جنگ اول جهانی و آغاز انقلاب کمونیستی در روسیه، که منجر به فروپاشی امپراتوری تزار روسیه گردید، انگلستان از این فرصت استفاده نموده، به گسترش نفوذ و سلطه‌ی خود در نقاط مختلف جهان - از آن جمله در ایران - برآمد... این نفوذ بریتانیای کبیر با ورود عامل تازه‌ای به صحنه‌ی سیاسی گسترده‌ی بیشتری یافت. این عامل جدید نفت بود... زیرا در آن تاریخ انگلستان طرح تبدیل سوخت کشتی‌های جنگی و تجارتی خود را از ذغال سنگ به نفت آغاز کرده بود، که به پیشنهاد «وینستون چرچیل»، لرد اول دریاداری انگلیس، دولت انگلستان در کشف و استخراج نفت جنوب ایران سرمایه‌گذاری کرد و در استخراج، فروش و صدور آن با ایران شریک شد!! از آن به بعد شرکت نفت «ایران و انگلیس»، **دویتی در داخل دولت ایران به شمار می‌آمد و در تمام امور سیاسی ایران، آشکار و پنهان، دخالت می‌کرد.** تا اینکه واقعه‌ی تاریخی سقاخانه‌ی آشیخ هادی پیش آمد که منجر به قتل «ماژور ایمبری»، کنسول آمریکا، شد که توطئه‌ی این قتل را سفارت انگلیس با «مصطفی فلاح»، برای جلوگیری از انعقاد قرارداد اکتشاف و

استخراج نفت بین ایران و آمریکا، در نقاط مختلف ایران ترتیب داده بودند؛ و این حادثه، قتل ماژور ایمبری، عامل اصلی انصراف ایالات متحده‌ی آمریکا از برقراری روابط نزدیک سیاسی و اقتصادی با ایران گردید...

سال‌ها این سردی روابط دیپلماسی ایران و آمریکا به طول انجامید تا اینکه در اواخر سال ۱۹۴۳، ایران در وضع بحرانی ناشی از جنگ جهانی دوم گرفتار شد... در مراحل پایانی جنگ، «کردهول»، وزیر خارجه‌ی آمریکا، در گزارشی به پرزیدنت «روزولت» نوشت: **«دولت ایران در وضعی گرفتار شده که هر آن احتمال سقوط این کشور به دامن اتحاد جماهیر کمونیستی شوروی می‌رود...»** از آن پس و برای نخستین بار، دولت آمریکا به فکر ایجاد یک سیاست منسجم و مشخص در ایران افتاد که در تهیه و تنظیم و اجرای این سیاست جدید، دو نکته مورد نظر آن دولت بود: نخست آنکه موقعیت ایران پس از پایان جنگ دوم جهانی به طور مشخص در استراتژی آمریکا تعیین گردد؛ و نکته‌ی دوم استقلال و تمامیت ارضی ایران در برابر رقابت قدرت‌های دیگر خارجی به روشنی تضمین شود.

روزولت، در فوریه‌ی سال ۱۹۴۴، در نامه‌ای به عنوان «وینستون چرچیل»، نخست‌وزیر انگلستان، چنین نوشت: **«نه آمریکا، نه کشور دیگری نباید به فکر به دست آوردن منطقه‌ی نفوذ در ایران باشد.»**

وزیر خارجه‌ی آمریکا، در گزارش دیگری به رئیس‌جمهوری آن کشور، اوضاع آن روز ایران را چنین توصیف می‌کند: «یک اقلیت نیرومند و حریص بر ایران حکومت می‌کند و نخستین گام اصلاحی در ایران، باید شکستن قدرت این اقلیت حاکم و دادن سهم مناسبی، در حکومت، به اکثریت مردم باشد.»

روزولت این نظریه‌ی او را تأیید کرده و به یکی از مشاوران خود (پاتریک هولی) گفته بود: **«در ایران یک درصد مردم به ۹۹ درصد دیگر حکومت می‌کنند. سیاست ما در ایران در صورتی به نتیجه خواهد رسید که بتوانیم این وضع نامناسب را تغییر بدهیم.»**

در این میان، مردم ایران از مستشاران آمریکایی، که برای اصلاحات ضروری

در آن بحبوحه‌ی جنگ به ایران اعزام شده بودند، استقبال شایانی به عمل آوردند. یکی از مستشارانی که به این منظور به ایران آمد، دکتر «میلیسپو» بود که به عنوان مدیر کل مالی و دارایی در ایران، با ۷۲ نفر دیگر از کارشناسان آمریکایی، در وزارت خانه‌ها و سازمان‌های مختلف دولتی ایران از جمله: دارایی، خزانه، خواربار، گمرک، بانک ملی و پلیس فعالیت خود را آغاز کردند و تا پایان جنگ جهانی دوم در ایران اقامت داشتند. با اصلاحاتی که این کارشناسان آمریکایی در ایران انجام دادند، دولت مردان آمریکا به این نتیجه رسیدند که آمریکا می‌تواند به عنوان ضامن حفظ موازنه‌ی قدرت در ایران و بهترین نگهبان استقلال و تمامیت ارضی این کشور، نقش قاطع و مؤثری در سیاست منطقه به عهده بگیرد.

با این حال، دولت آمریکا، با وجود روابط دوستانه‌ای که در زمان جنگ با دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی برقرار کرده بود، حاضر نشد به مطامع روس‌ها در ایران گردن نهد. زیرا تسلط اتحاد جماهیر شوروی به ایران، راه نفوذ آن کشور را به مناطق کشورهای خاورمیانه می‌گشود.

اقدامات شوروی نسبت به ایران، در اواخر جنگ دوم جهانی، تمایلات و هدف‌های امپریالیستی آن کشور را نمایان ساخت؛ زیرا طبق قرارداد «کنفرانس تهران» نیروهای آمریکایی، روز اول ژانویه ۱۹۴۶، خاک ایران را به کلی ترک کردند و انگلیسی‌ها نیز اعلام نمودند که تا اول ماه مارس همان سال، نیروهای خود را از ایران بیرون خواهند برد؛ اما دولت شوروی نه تنها تاریخ خروج نیروهای خود را اعلام نکرد، بلکه به دنبال تشکیل یک حکومت دست‌نشانده در آذربایجان، حکومت دست‌نشانده‌ی دیگری در **کردستان ایران تشکیل داد.**

در این هنگام، «قوام السلطنه»، سیاستمدار باهوش و کهنه‌کار ایران، به نخست‌وزیری رسید. او، که در گذشته روابط نزدیکی با آمریکایی‌ها داشت، آن چنان خود را به روس‌ها نزدیک کرد که حتی شاه از بی‌پروایی اقدامات او به وحشت افتاد و آمریکایی‌ها نیز دچار سوءظن شدید نسبت به وی شدند، زیرا قوام در مسافرت به شوروی موافقت خود را با قرارداد اکتشاف و استخراج نفت

نواحی آذربایجان به وسیله‌ی روس‌ها اعلام کرده و به آنها قول داده بود که پس از انتخابات مجلس شورای ملی، این قرارداد را به تصویب نمایندگان مجلس برساند. با این قول و قرار، استالین، رهبر وقت شوروی، پشتیبانی خود را از «سیدجعفر پیشه‌وری»، نخست‌وزیر خودخوانده‌ی آذربایجان، برداشت و دولت ایران این دو استان (آذربایجان و کردستان) را که با پشتیبانی روس‌ها از ایران جدا شده بودند، مجدداً به ایران بازگرداند.

بعدها ترومن - رئیس جمهوری - و سایر رهبران وقت آمریکا ادعا کردند که هشدار و اخطار شدیدالحن آنها به مسکو، موجب عقب‌نشینی نیروهای شوروی در ایران شده است. البته نقش آمریکا را در وادار ساختن استالین، رهبر شوروی، به خارج کردن نیروهای خود از ایران نمی‌توان ندیده گرفت، ولی نقش قوام‌السلطنه در این میان کمتر از آمریکایی‌ها نبود... تا اینکه در فاصله‌ی مارس سال ۱۹۵۱، که مرحوم دکتر مصدق صنعت نفت ایران را ملی اعلام کرد و کارمندان انگلیسی شرکت نفت را از ایران اخراج نمود، تا اوت ۱۹۵۳ (۱۳۳۲)، که دولت قانونی مصدق با کودتایی که ترومپ آن را آمریکا و انگلستان داده بودند، سقوط کرد، وقایع ایران در صدر اخبار مهم جهان قرار داشت...

مرحوم دکتر مصدق، که بدون تردید یکی از جالب‌ترین چهره‌های سیاسی قرن بیستم و شخصیت برجسته‌ای در تاریخ معاصر ایران می‌باشد، در دادگاه نظامی به اتهام خیانت مورد محاکمه قرار گرفت و در تشکیل جلسات دادگاه بیشترین توهین نسبت به او توسط سرلشکر آزموده (معروف به آشمن ایران) صورت می‌گرفت. پس از سقوط دولت قانونی مرحوم مصدق، در حالی که مذاکرات درباره‌ی انعقاد قرارداد نفت معروف به «امینی و پیچ» در میان بود، ۶۰۰ تن از افسران برجسته‌ی ارتش ایران را، که در سازمان نظامی حزب توده عضویت داشتند، دستگیر کرده و در دادگاه‌های نظامی به دادستانی سرلشکر آزموده محاکمه کردند که از این عده ۲۷ نفر در سه گروه ۹ نفری به جوخه‌ی اعدام سپرده شدند. تا اینکه قرارداد کنسرسیوم نفت (شرکت چندملیتی) معروف به «امینی و

پیچ» مورد تأیید نمایندگان مجلس قرار گرفت و تصویب شد. صحنه‌گردان این طرح، دکتر «علی امینی» بود که از آن تاریخ مورد توجهی آمریکایی‌ها قرار گرفت و به‌طوری که می‌گویند، بر اثر تحریکات او بود که دولت زاهدی، پس از ۲۲ ماه حکومت، سقوط کرد...

علی امینی، بعد از علاء و اقبال، با پشتیبانی آمریکائی‌ها و برخلاف میل شاه، به مقام نخست وزیری (به قول بعضی‌ها که از نوجوانی آن را تمرین می‌کرد) دست یافت. باید به این نکته توجه داشت که نقش حساس دکتر علی امینی در مذاکرات انعقاد قرارداد نفت و شهرت و موقعیتی که در جریان این مذاکرات در محافل بین‌المللی - به ویژه در آمریکا - به دست آورده بود، برای شاه خوش آیند نبود. شاه که در وجود امینی یک «قوام السلطنه»ی تازه و رقیب بالقوه‌ای که آمریکایی‌ها از او پشتیبانی علنی می‌کردند می‌دید، این بار او را مثل زاهدی از صحنه‌ی سیاسی داخلی ایران بیرون راند و به عنوان سفیر ایران در آمریکا به واشنگتن فرستاد. فعالیت‌های امینی در آمریکا و شهرتی که با چند سخنرانی و مصاحبه به دست آورده بود، نگرانی تازه‌ای برای شاه به وجود آورد و به همین جهت پیش از پایان مأموریتش او را به تهران احضار کرد. **از جمله شایعاتی که درباره‌ی علت احضار او به تهران در نشریات منتشر گردید، نقش احتمالی وی در طرح و نوطنه‌ی کودتا با پشتیبانی آمریکایی‌ها بود...**

انقلاب سفید شاه، که در اصل برای جلب حمایت و خوش آیند آمریکا طرح و تنظیم شده بود، در واقع نطفه‌ی انقلاب خونینی را، که به سقوط نظام سلطنت انجامید، در بطن خود داشت. زیرا جمعی از رهبران مذهبی - که امام خمینی در رأس آنها قرار داشت - به مخالفت با این برنامه‌ی شاه برخاستند که منجر به کشته شدن عده‌ای از طلاب دینی در شهر قم شد و یک سال بعد منجر به حادثه‌ی تاریخی ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ گردید...

عصر جدید شاهنشاهی در ایران، که با جشن پرهزینه‌ی ۲۵۰۰ ساله‌ی شاهنشاهی آغاز گردید، واکنش متفاوتی در جهان به وجود آورد. از آن جمله

نارضایتی اکثر مردم ایران از برگزاری این نوع جشن‌ها و عدم تناسب آن با فقر که از سطح زندگی پائین مردم حکایت می‌کرد، بود. افزایش درآمد نفت، شاه را در موقعیتی قرارداد که دیگر او می‌توانست از موضع قدرت سخن گوید. تا جایی که وقتی «جرالد فورد»، رئیس جمهوری آمریکا، از وی خواست که قیمت نفت را کاهش دهد، وی در پاسخ اظهار داشته بود: «نخست باید کشورهای صنعتی بهای کالای صادراتی خود را کاهش دهند، آنگاه طرحی برای تثبیت قیمت نفت و مواد اولیه‌ی کالاهای صنعتی در رابطه با یکدیگر ارائه گردد...»!

در اواسط ماه رمضان (۲۸ مرداد) در فاجعه‌ی آتش‌سوزی سینما رکس آبادان، ۳۷۶ نفر (و به قول عده‌ای نزدیک به هزار نفر) زنده زنده سوختند. مخالفان مذهبی شاه، آن حادثه را به ساواک نسبت دادند؛ **هرچند که در این مورد دلیل قانع‌کننده‌ای ارائه داده نشد...**^(۱) پس از این حادثه، گسترش مخالفت با رژیم شاه شتاب بیشتری گرفت. در قبال آن، شاه ضمن مصاحبه‌ای با مجله‌ی آلمانی «اشترن» مخالفان رژیم خود را به تروریست‌های «بادرمانهوف آلمان» تشبیه کرد. وقتی به او گفته شد که موج مخالفت‌ها چنان وسیع است که نمی‌توان آن را با یک گروه تروریستی مقایسه کرد، شاه گفته بود که اینها همه عناصر فریب‌خورده و تحریک شده‌ای هستند که با انجام انتخابات آزاد برای تشکیل مجلس آینده، این‌گونه حرکت‌ها تکرار نخواهد شد...

برخلاف آنچه که شاه در مصاحبه با خبرنگار مجله‌ی اشترن گفته بود، شدت مخالفت روز به روز فزونی یافت و آن چنان گسترده شد که شاه ناچار به ترک کشور گردید و چند روز بعد از خروج شاه، «شاپور بختیار»، آخرین نخست‌وزیر

۱ - عده‌ای براین باور بودند، شاه به خاطر سالگرد کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، هر سال جشن و سرور برپا می‌کرد که ساواک به دستور شاه دست به چنین عملی زده، جای تردید و تأمل وجود دارد؛ چون تاریخ خیلی زود ثابت کرد که فاجعه‌ی آتش‌سوزی سینما رکس آبادان به روند پیروزی انقلاب سرعت حیرت‌انگیزی بخشید...!

نظام شاهنشاهی، نیز از نظرها ناپدید شد. پس از آن و با فاصله‌ی چند روز، امام خمینی با هواپیمای شرکت «ایرفرانس» خاک فرانسه را ترک کرده و پس از سال‌ها تبعید به ایران مراجعت نمود. با ورود ایشان به ایران، ستون سیاست تجاوزکارانه آمریکا فرو ریخت... تا جایی که روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، سفارت آمریکا به اشغال چریک‌های فدایی خلق درآمد؛ و سه روز بعد، به دستور دادستان انقلاب اسلامی یکی از مقامات بلندپایه‌ی انقلاب با ۸۰ مرد مسلح، چریک‌های فدایی را از سفارت آمریکا بیرون رانده و پس از تشکیل کمیته‌ی ویژه‌ای، به سرپرستی ماشاالله قصاب، حفاظت ساختمان و کارکنان سفارت آمریکا را به‌وی سپرد. کمیته‌ی ویژه‌ی مستقر در سفارت آمریکا از تاریخ ۲۵ اسفند ۱۳۵۷ تا ۱۳ آبان ۱۳۵۸، تحت نظر ماشاالله قصاب فعال بود (بنابه اظهار سرپرست آن کمیته، وی چند صد تن از عوامل رژیم شاه را دستگیر کرده و تحویل زندان اوین داده بود). تا اینکه روز ۱۳ بهمن ۱۳۵۸، گروهی، که خود را «دانشجوی مسلمان پیرو خط امام» معرفی می‌کردند، سفارت آمریکا را از اختیار ماشاالله قصاب خارج کرده و ۴۴۴ روز، آنجا را با کارکنانش در اختیار خود گرفتند...

جعفر مهدی نیا